



۲۰۱۶/۰۹/۲۳



ملیحه نایاب

ریشه خشونت علیه زن از کجا آب خورده است؟

زمانیکه خواستم کتاب در باره زندگی «زن» بنویسم، تصمیم گرفتم تا از زندگی زن اول در خلقت «بی بی حوا» مادر عالم بشریت آغاز نمایم، زیرا اولین سنگ تعصب، زن ستیزی «تبعیض جنسیتی» بسوی «حوا» پرتاب شد و متهم گردید حضرت آدم را فریب داده تا از آنچه منع گردیده بودند بخورند، یعنی تمام بدبختی ها در جهان امروزی از سبب همین خطا اوست.. و این سخنان بیشتر از زبان کسانی شنیده شده است که حرف و کلام آنها نزد مردم دارای اعتبار زیاد بوده و در طول تاریخ این عقیده باطل در میان مردم بخش گردیده است. خداوند تعالی در قرآن از خطا حوا یاد نکرده، بلکه خود آدم را مخاطب قرار داده است. وقتیکه زن ستیزی و تضاد جنسیتی از جانب علما و رهبر های مذهبی از مساجد و کلیسا ها به گوش مردم که توجه خاص به کلام آنها دارند رسانیده شود، دامن ظلم و خشونت علیه زن هرگز از جهان برچیده نخواهد شد. در کتب مختلف در مورد حوا داستان های زیادی وجود دارد که در یکی از آن چنین آمده است: روزی دختر جوان در حالیکه از شدت درد عادت ماهانه عذاب میکشید، نزد کشش کلیسا رفته خواست تا علت این رنج را بداند و هم برایش دعا کند تا ازین درد رهایی یابد. ملای کلیسا در جوابش گفت: چون مادر شما یعنی حوا که سبب فریب آدم ع شده و به سبب همین کارش مورد غضب خداوند قرار گرفت و به او گفت: (تا دنیا باقیست تو و از جنس تو را همواره در عذاب درد ماهانه و درد زایمان قرار میدهم). حضرت مولانا بلخی در مثنوی معنوی که آنرا تشبیه نموده اند به قرآن در زبان پهلوی، در دیوان مثنوی (دفتر ششم ۴۴۷۰) در مورد داستان بهشت «آدم و حوا» چنین آورده است:

چند با آدم ابلیس افسانه کرد چون حوا گفتش بخور آنگاه خورد اولین خون درجهان ظم و داد از کف قابیل بهر زن فتاد کمتر کسان در برابر این پدیده شوم «زن ستیزی» ادای رسالت نموده تا جلو فرهنگ های ظالمانه سنتی مانند «بد دادن» ازدواج صغیره یعنی با زور و جبر که خلاف اسلامیت و انسانیت میباشد بگیرند، شاید انگیزه همانا به خطر افتادن فرهنگ مرد سالاری بوده باشد. در بسیاری کشور های جهان و بعضی از کشور های اسلامی ازدواج با صغیر جرم شمرده میشود، چنانکه نکاح دختر شش ساله با مرد پنجاه و چهار ساله در کشور ما مورد اعتراضات شدید، از سوی نهاد های مدنی و اجتماعی و مدافع حقوق زن واقع گردید تا دخترک معصوم را نجات دهند. اشخاص با درک هم در جامعه پیدا میشوند که در برابر عنعنات ناپسند غیر انسانی و خرافات پرستی مبارزه میکنند. جوان با احساس به اسم خان دل «عادل» حاضر شد تا علیه «بد دادن» در برابر رسانه ها با صدای بلند بگوید که او حاضر نیست تا خانواده اش بخاطر قتل دو برادرش از خانواده قاتل ده دختر معصوم زیر سن را به «بد» بگیرند و خواست خود و خانواده اش درین راه خیر پیشگام باشند. زمانیکه خان دل «عادل» در زیر خیمه تحصن قرار داشت، من از این جوان دیدن کرده و موفقیت های بیشتر برایش آرزو نمودم و امید است تا تعداد همچو جوانان با درک و با احساس بیشتر تر گردد. خوشبختانه نهاد های مدنی و اجتماعی خاصاً جوانان از این جوان مبارز پشتیبانی کرده تا همه درین راه همگام و همصدا باشند. در جریان صحبت با خان دل بودم، که یک جوان وارد خیمه شد و خود را محصل یکی از پوهنتون های خصوصی در رشته حقوق و علوم سیاسی معرفی کرد و در ضمن صحبت در مورد عنعنات ناپسند اظهار نظر کرده گفت: (خودش بدون آگاه ساختن خانواده درینجا آمده است چون آنها سخت پشتیبان عنعنات سنتی میباشند، حتی برادرش را که با افکار آنها مخالفت میکرد و همواره میگفت: جرم و خطا را که یک مرد انجام میدهد، چرا توانش را زن یا دختر مظلوم بپردازد، یعنی دختر قربانی شده و به بد داده میشود. از همین جهت برادرم را به ولایت دیگری برای کار فرستاده اند تا زیر تأثیر افکار مانند عادل نرود، نه تنها زن ستیزی از طرف کاکا هایم، بلکه از سوی عمه هایم که آنها خود زن هستند نیز پشتیبانی میشود، شاید اینهمه خشونت ها و ظلم علیه همجنسان خودشان بخاطر باشد که خود آنها در میان ظلم و خشونت پرورش یافته و با آن بزرگ شده اند.) واضح است که عدم آگاهی از حقایق دین و نداشتن علم و سواد کافی در شناخت خود و اطرافان بخصوص خموشی علمای دین در مورد جنایات که علیه زنان صورت میگردد و پدیده های شوم «خرافات پرستی» که در کشور های سنتی این همه ظلم و بدبختی را در برابر زنان بوجود آورده است. پس لازم است تا از شجاعت این جوان «خان دل» که برای دفاع و نجات هزاران دختر که خود قدرت دفاع و بلند ساختن صدای شانرا ندارند همواره به نیکی یاد کرد. در قرآن در مورد

د پانو شمیره: له ۱ تر ۳

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکاري ته رابلو. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

يادونه: دليکنې د ليکنيزې ښې پاروالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليزلو مخکې په خير و لولئ

مجادله زنی از قوم انصار که نزد پیغمبر آمد و در برابر ظلم و خرافات ایستادگی نمود تا مبارزه در نسل های بعد همچنان ادامه پیدا کند. هرگاه آیات و مثل های قرآنی از سوی علمای دین بگوش مردم میرسد هیچگاه در جوامع اسلامی شاهد ظلم و جنایات علیه زنان و دختران بیگناه نمی بودیم. خداوند برای زن و مرد هر دو یکسان حقوق دینی و اجتماعی قایل شده است چنانکه در سوره آل عمران آیت ۴۳ خطاب به مریم میفرماید: «ای مریم پروردگارت را اطاعت کن با سجده و رکوع کزاران سجده و رکوع کن.» عبادتگاه ها که بایست حق اشتراک را «مرد، زن» بدون تبعیض جنسیت می داشتند، در آنوقت معبد را کاملاً مردانه ساخته بودند و زنان حق مشارکت را در آنجا نداشتند، چنانکه امروز در بسیاری از کشور های اسلامی مساجد مردانه است. کسانیکه فلم حضرت مریم را مشاهده کرده باشند، حضرت مریم به امر خدا دروازه معبد را باز کرده داخل معبد میشود، مردان بسوی همدیگر دیده با خود گفتند که مریم هرگز جرأت این کار را نداشت حتماً به امر پروردگار اینجا آمده است عدالت و برابری در میان بندگان خداوند نمایانگر دیموکراسی در اسلام میباشد، آیا آیه فوق صدای دموکراسی را بگوش زن ستیزان و عقبگرایان نمیرساند؟ چون خداوند تعالی متعصب و زن ستیز نیست تا در میان بندگان «زن و مرد» فرق قایل شود. در سرزمین عرب که همین آیه شریفه ۴۳ به پیغمبر خدا نازل شده است آنهم به لسان عربی که در فهم آن شک و تردید وجود نداشت، ولیکن زنان عرب حق رفتن به مساجد و دیگر اجتماعات که حضور مردان در آنجا باشد ندارند، چون مسلمانان متعصب «زن ستیز» همچو آیات یعنی کلام خداوند را در تاریکی های فکری شان زندانی ساخته اند، عرب ها ظالم قیودات علیه زن را صرف در کشور خود نگه نداشته، در سایر کشور های اسلامی زیر نام فرهنگ اسلامی مورد اجراء قرار داده و میدهند، یعنی به فرهنگ های ظالمانه سنتی بیشتر توجه و عمل مینمایند. در اوایل اسلام زن و مرد مسلمان در یک مسجد ادای نماز مینمودند، امروز در همان سرزمین زنان اجازه رانندگی را ندارند، در حالیکه زنی برای دفاع از حق خود «عایشه صدیقه» سوار بر شتر رهبری جنگ را در برابر خلیفه چهارم بر عهده داشت. چون فرهنگ زن ستیزی از سرزمین عرب کاملاً برچیده نشد و این میراث غیر اسلامی جهان اسلام و به خصوص جهان زن را بیشتر از همه متأثر ساخته است. در گذشته ها یهودیان تندرو و کلیسا های کاتولیک اشتراک زنان را در عبادتگاه ها ممنوع ساخته بودند تا اینکه کاتولیک های متعصب و اصلاح طلب «پروتستان» از هم جدا و دین مسیح را از زندان تعصب آزاد ساختند، چنانکه امروز بصورت عموم زن و مرد عیسوی یکجا با هم در کلیسا ها حضور پیدا میکنند. تا سال ۲۰۰۰ زنان یهود اجازه دعا خوانی را در برابر دیوار مقدس نداشتند تا اینکه با حمایت دولت و پشتیبانی دیگر نهادها «روشنفکران» در یک روز تاریخی که سابقه نداشت در حالیکه منطقه جهت امنیت از سوی عساکر کاملاً احاطه شده بود تا آسیبی به آنها نرسد، زنان مراسم دعا خوانی را برای اولین بار به پایان رسانیدند، تند روان یهودی که از دور مراسم را تماشا میکردند، الفاظ زشت و رکیک به زنان میگفتند، خوشبختانه از آزمون تا به امروز زنان یهود به حق دینی و شرعی خود رسیدند یعنی یکجا با مردان در جوار دیوار مقدس که به دو قسمت مساوی تقسیم شده است (توسط کتاره بسیار ساده سمت راست زنان و طرف چپ مردان) را از هم جدا میسازد، یعنی همدیگر را دیده و اگر بخواهند صحبت کرده میتوانند. «دعوت گران» از کشور های اسلامی تلاش دارند تا مردم ادیان دیگر را به اسلام که دین کامل بوده دعوت میکنند، در حالیکه زنان مسلمان مانند مردان در برابر منبر مانند قرار گرفته نمیتوانند و مانند دیگر ادیان به آزادی دینی خود نرسیده اند. مذهب یون اسلام موفقیت دینداری شانرا در اعمار مساجد بزرگ «با زرق و برق» میبینند. چنانکه در «شهر ابوظبی» مسجد بسیار بزرگ و دیدنی اعمار شده است که تعداد سیاحین جهت تماشا در طول هفته بیشتر نسبت به نمازگزاران میباشد و برای زنان درین مسجد یک سالون بزرگ اختصاص داده شده است، اما زنان اشتراک کننده نظر به تعصبات و تبعیض که در برابر آنها وجود دارد تعداد شان بسیار اندک میباشد. امروز کشور ما که مردم در شرایط بسیار دشوار بخصوص «اقتصادی» قرار دارند، در نظر است تا یک مسجد بسیار بزرگ در شهر کابل اعمار گردد. آیا بزرگی مسجد بزرگ نشان دادن اسلام است؟ بلکه سربلندی و افتخارات اسلام در تأمین عدالت «تساوی حقوق زن و مرد مسلمان» میباشد. در قلب شهر کابل مسجد «عبدالرحمان» وجود دارد که برای نمازگزاران کفایت میکند. بایست تلاش ها در جهت نجات مردم از فقر و بیسوادی صورت گیرد تا به کاروان تمدن «علم و تکنالوژی» نزدیک شده، ورنه جهان همچنان به بیش می رود و کشور ما با تنگ نظری های جاهلانه و ضدیت در برابر دموکراسی عقب مانده، خوار و بیچاره تر خواهند شد، چگونه زنان مسلمان که تا هنوز در زیر چادری محبوس مانده اند با کشور های جهان که زن و مرد در کنار هم برای پیشرفت کشور شان تلاش میورزند، خود را به کاروان تمدن نزدیک سازند. در مراسم تجلیل از ۹۷ سالروز استقلال که در شهر جلال آباد برگزار گردیده بود، گروهی از دختران «سیاه پوش پوز بسته» که جز چشمان چهره شان دیده نمیشد در حالیکه خود در زندان نقاب و چادری قرار داشتند، لیکن ترانه استقلال و آزادی می سرودند... چرا مردم

د پانو شمیره: له ۲ تر ۳

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پاروالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولی

ما به این روزگار تلخ آواره و بیچاره شده اند؟ زنان بار اول در زمان حکومت شاه امان الله خان به آزادی رسیده بودند که به تحریک دشمنان از سوی تند روان مذهبی ناکام گردید و بار دوم در زمان دوره صدارت داوود خان شهید آزادی زنان اعلان شد و زنان، دختران در معارف و دیگر اجتماعات راه پیدا نمودند که تا دیر زمان دوام پیدا کرد و متأسفانه در دوره تاریک طالبان باز هم زنان و دختران در خانه ها شان زندانی گشتند، اما بار سوم آزادی زنان نه به ابتکار و تلاش مردان دلیر چون امان الله خان و داوود خان، بلکه از سوی جوامع بین المللی «امریکا» در دوره حکومت مؤقت زنان به آزادی رسیدند، اینکه حمایت کشور های جهانی را تا چه زمانی با خود خواهند داشت آینده را کسی نمیداند چون از همین حالا پوشش به سبک عرب ها که دو چشم آنها قابل دید باشد، بعضی زنان و دختران یا به استدلال خود شان و یا هم اجبارا بالای آنها تحمیل شده است... تعداد اقلیت به خصوص در تلویزیونها کشور با سوء استفاده از نام آزادی و دموکراسی در «فیشن و لباس» خشم مذهبیون را بیار آورده است که نباید بخاطر یکعده اقلیت، همه مردم از مزایا و ارزش های دیموکراسی محروم گردند. اگر اینبار دموکراسی در سر زمین افغانستان نیست و نابود گردد محال خواهد بود تا بار چهارم به ساده گی به آن دست یافت. عربستان سعودی بالای کشور ما بوسیله پاکستان پلان های خود را عملی میسازد و دولتمردان برای بقای شان زیر نام صلح به ساز آنها میرقصند که تشویش ها را بین مردم بخصوص جامعه زنان بیشتر ساخته است، زیرا ضدیت در برابر تعلیم و تربیت زنان، ویران کردن مکاتب دختران از اهداف تاریک نظران بوده، که مخالف دیموکراسی و آزادی میباشند. در شرایط امروزی یعنی در قرن «بیست و یک» زن مظلوم بخاطر به دنیا آوردن طفل نوزاد دختر مورد خشونت «لت و کوب» قرار گرفته به قتل میرسد، با این ذهنیت چگونه به عقب گرایان فرصت داده میشود تا با سرنوشت مردم بازی نمایند. مردم باید خود تصمیم بگیرند و دوره شاه امان الله خان را دیگر تجربه نکنند اگر شاه امان الله با شتاب زدگی دموکراسی را وارد کشور نمود، حالا آقای غنی با شتابزدگی دموکراسی را از افغانستان خارج میسازد تا بار دیگر کشور به چنگال مذهبیون افراطی افتیده زندگی را بر مردم و به خصوص زنان جهنم سازند. آزادی زن مسلمان بستگی به آزادی دین دارد تا زمانیکه زن مسلمان با مرد مسلمان در حقوق دینی شان مساوی باهم قرار نگیرند که خداوند مقرر داشته است، هرگز در حقوق اجتماعی با هم مساوی قرار گرفته نمیتوانند که سوره آل عمران آیه شریفه ۴۳ را طور مثال بیان داشتیم. به همین جهت زنان از حقوق دینی شان محروم ساخته شدند تا بنام شریعت از حقوق اجتماعی آنها نیز کاسته شود. دولتمردان در فکر خود هستند قوم پرستی و حقوق دیگران را نادیده گرفتن آنها را از راه حقیقت و عدالت دور ساخته است. مردم مدینه که با رسول خدا در فتح مکه اشتراک داشتند، تصور میکردند که شاید پیغمبر نزد قوم و قبیله خود در مکه باقی بماند و آنها را تنها خواهد گذاشت، اما رسول خدا برایشان اطمینان داد که با آنها دوباره به مدینه برمیگردد. قوم پرستی در اسلام نیست چون همه مسلمین را خواهر و برادر دینی خطاب کرده است، یعنی هیچ فردی یا قومی بر یکدیگر برتری ندارند و باید از خود گذری داشت نه مانند امروز که هزاران زن و مرد و اطفال از جاهایشان آواره ساخته میشوند، بهترین راه متحد شدن مسلمانان اینست تا از همسایه با همسایه شروع و بعد از کوچه به کوچه یک نفر را نماینده انتخاب کنند تا به کمک مردم محل از اوضاع کوچه و منطقه باخبر باشند و بعد از ناحیه به ناحیه نمایندگان مردم باهم تماس ها داشته که در نتیجه از شهر به شهر برسند، حتما در انتخابات نمایندگان شان که مربوط به یکی از کوچه ها یا از محل میباشند باهم همصدا و همنظر شده در شناخت از یکدیگر میتوان مشکلات را از میان برداشت و درین صورت مردم باهم نزدیک و نزدیکتر شده جهت رفع معضلات با عقلانیت راه مناسب را جستجو کرد.

جوانان و روشنفکران درین راه نقش بهتر خواهند داشت.

پایان

د پانو شمیره: له ۳ تر ۳

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د ليکنيزي بني پاروالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليزولو مخکي په خبر و لولئ